

## کیمشان

## ادعای خلافت شریف بهانه به دست ابن سعود می دهد!

روز ششم محرم ۱۳۳۵ قمری مطابق با سوم دسامبر ۱۹۱۸، مردم در مکه با شریف حسین به عنوان پادشاه عرب بیعت کردند اما این بیعت و عنوان برای تضمین حکومت او بر عربستان کافی نبود؛ چرا که دولت‌های انگلستان و فرانسه عنوان پادشاهی او را بر عرب نپذیرفتند و پس از مدتی طولانی، حکومت او را تنها بر حجاز به رسمیت شناختند. در همین زمان عبدالعزیز که فارغ از جنگ با عثمانی قدرت یافته بود و در ضمن از طرف انگلستان نیز حمایت می‌شد، منتظر چراج سبزی از طرف انگلستان برای خارج کردن شریف از صحنه بود.

بسه این ترتیب حکومت واحد عربی که شریف خود را پادشاه آن نامیده بود، باطلبع به خاطر عدم حمایت انگلستان و در ظاهر به خاطر نایده گرفتن فرزانگان قبایل به شریف عرب که شریف با این‌ها مذاکره و مشورت کرده بود، مورد استقبال قرار نگرفت اما با این حال شریف حسین برای هشت سال توانست سلطنت کند.

مطابق توافق با انگلستان، در پایان جنگ بین‌الملل اول، پسران شریف حسین فیصل و عبدالله به ترتیب به حکومت عراق و امارت شرق اردن رسیدند.

در این زمان بود که شریف به شرق اردن مقرر حکومت پسرش سفر کرد و درهمین سفر مسئله خلافت اسلامی برای نخستین بار بعد از دوران عثمانی مطرح شد.
آن‌جا بود که جمعی از نمایندگان قبایل به دیدار شریف حسین آمدند و رغبت خودشان را برای خلافت او اعلام کردند. در نتیجه شریف خودش را خلیفه خواند و به بهترین بهانه را به دست ابن سعود داد که به ظاهر در این هشت سال انزوا و اختیار کرده بود و مزاحمتی برای شریف نداشت.

اما در واقع این انگلستان بود که منتظر فرصت مناسب می‌گشت چرا که مولف تاریخ مکه نوشته است، مطامع استعماری انگلستان اقتضای آن می‌کرد که بندر عقبه را از حجاز جدا سازند و ادعا می‌کردند که آن را ضمیمه شرق اردن که تحت حکومت امیر عبدالله بود، خواهند ساخت<sup>[۱]</sup> اما شریف که به منافع خودش می‌اندیشید، سخت به آن پرخاش کرد و انگلیسی‌ها در عوض او را در مقابل رقیب دربیانش ابن سعود تنها گذاشتند.

برای جانشینی بر پس از توفاق کیچنر با شریف، انگلیسی‌ها او را تنها گذاشته بودند. آن‌ها نه تنها به

وعدعهایشان عمل نکردند؛ بلکه به کمک رقیبش؛ سعود رفتند.

این سود که با طرح مسئله خلافت بهانه لازم را در دست داشت، برای حمله به حجاز به دو مسئله توجه داشت. اول این که در صورت حمله او به حجاز، آیا دولت‌انگلیس ساکت خواهد نشست؟ دیگر این که آیا دو پسر شریف حسین، ملک فیصل و امیر عبدالله فرزانویان عراق و اردن، تاگزیر به یاری پدر خواهند شافت؟ مسئله خلافت شریف به جدایی بندر عقبه از حجاز که به خاطر نقش استراتژیک آن در مسئله جنگ و پشتیبانی از نیروهای فرانسه در دمشق برای انگلیس حیاتی بود، مسئله‌ای نبود که نایده‌فرض نبود، بنابراین دوستان انگلیسی عبدالعزیز به او اطمینان دادند که انگلستان در مسئله بین عبدالعزیز و شریف



دفتربزرگشهای موسسه کیهان

پیدا و پنهان شکل‌گیری وهابیت

دعالتی نمی‌کند. اما در مورد دوم عبدالعزیز باید منتظر زمان جنگ می‌ماند.

عبدالله بن حسین درست زمانی که ترک‌ها مدینه را تسلیم کردند، حرکت به سمت جنوب رو به طائف، طوبه و خومه را به قصد درهم کوبیدن نیروهای اخوان، که از مدت‌ها قبل متوجه تحركات آن‌ها شده بود را آغاز کرد. عبدالله که ۵ هزار سرباز، ده توپ و بیست مسلسل به همراه آورده بود، بلافاصله طوبه را گرفت اما نیروهای عبدالعزیز که ۱۱۰۰ نفر از افراد برده فرادان بودند، از قف قط به راه افتادند. همزمان عبدالعزیز نامهای به بریتانیا نوشت و اطلاع داد که حل اختلافات از طریق حکمیت را می‌پذیرد اما چنان‌چه چه شریف حسین عملی غیر از آن انجام دهد، او مسئول نخواهد بود.

عبدالله به پدرش پیام داد که بزودی از خومه تا ریاض و سپس همه سرزمین نجد را فتح خواهد کرد. این زجرخونی کافی بود تا هزاران نفر از نیروهای اخوان منطقه – که حاصل زحمت شش ساله ابن سعود بودند – علیه عبدالله بسیج شوند. تحریک اخوان به جنگ با شریف حسین ساده بود وقتی برادرانشان مورد تهدید قرار می‌گرفتند این وظیفه اخوان بود که از آن‌ها دفاع کنند.

اخوان با فریاد انتقام‌جویی و در حالی که بسیاری از‌ها دو نفره سوار شتر بودند به محرا زدند تا خودشان را به طوبه برسانند.

برخی از آن‌ها حتی تنگ هم نداشتند و امیدوار بودند که از میدان جنگ را به دست بیاورند. این کسب‌ای آرد، مقداری خرما و مشک آبی به همراه داشتند. برای بسیاری از آن‌ها مسلم بود که در صورت کشته شدن، بلافاصله به بهشت که بر اثر طوبه خورده‌های و حوریان ریزه بود، وارد می‌شدند. آن چه اخوان را مخوف نشان می‌داد، فقط ظاهرشان نبود که دارای ریش‌های بلند و زولپیده بودند، بلکه شمشیرها و خنجرهای برنده‌ای بود که بدون هیچ ترحمی گردن مخالفان را می‌زید. اخوان زمانی که به طوبه رسیدند، هنوز سپیده‌دم بود و مردان عبدالله بن حسین در خواب بودند. برادران در حالی که موصلین سفید بر سر داشتند، با تعدادی شتراسب و خنجرهای برهنه به اردوگاه عبدالله ریخته و در حالی که فریاد می‌کشیدند: «ان‌های بهشت می‌خورند! هر کسی را که به دستشان می‌رسد، به قتل می‌رسانند. آن‌ها نمایش بزرگشان را که به «وحشت سفید عربستان» مشهور شد، به معرض تماشا گذاشتند.

**منابع در دفتر روزنامه موجود است**

برونده را دقیق مطالعه کنید و تدارک آخرین دفاع را ببینید.

وکیل: از این محنتی که فرمودید خیلی خیلی ممنونم. ان‌شالله موکل من مسودر رأفت اسلامی حضرت‌عالی قرار بگیرد و ما امین جوان‌های خویمان را با دست‌های خودمان خدای ناکرده به آنها آسیب نرسانیم و اگر اشتباهی کرده‌اند آن قدرش را را که قدر مسلم به وسیله ارشاداتی که از جنبه‌های مختلف هستند، رفع شود.

**منتهم حسین اعظامی**

قاضی: از معاونت محترم دادستان خواسته می‌شود که کیفرخواست انفرادی منتهم حسین اعظامی را فرانت کند!ا متهم در جایگاه قرار بگیرد! الف: هویت منتهم: آقای حسین اعظامی مشهور به مه‌ران دست‌طلا فرزند مهدی، اهل تهران، ساکن تهران، متولد ۱۳۶۷، بازداشت نامین بازداشت موقت، دارای سابقه محکومیت کیفری، شغل راننده مسافرتی، با سواد، مجرد. ب: اتهام منتهم: ۱- اقدام علیه امنیت کشور از طریق اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت عمومی ۲- فعالیت تبلیغی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی

### پاورقی

نهال نو پای اسلام در مدینه با همت و تلاش و مجاهدت و آبیاری مهاجرین و انصار ریشه‌دار و تنومند گردید و روز بروز رشد یافته و بالنده شد، از این رو مهاجرین اولیه (کسانی که تا فتح مکه به مدینه هجرت کردند) و انصاری که در پیمان عقبه و بعد از آن در سیرال‌های آغازین هجرت به شرف اسلام درآمده و در جنگ‌ها در کنار پیامبر(ص) ایستادگی و استقامت نمودند پس از استقرار و تحکیم پایه‌های نظام اسلامی در زمره اصحاب خاص و شخصیت‌های برجسته و ممتاز جامعه اسلامی درآمدند، و طبعی از خواص را پدید آوردند. آنچه که بیش از هر چیز بر موقعیت مهاجرین و انصار افزوده و به آنان نفوذ و پایگاهی جاوید و ماندگار بخشید اظهار رضایت و خشودگی قرآن کریم از آنان بود. خداوند تعالی در قرآن مجید در موارد متعددی از مهاجرین و انصار، تحمل رنج‌ها ، مشقت‌ها و فقر کشیدن‌ها و ایثار و گذشت مالی‌شان یاد کرده و آنان را ستوده بود. در سوره توبه فرمود:

﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِخَيْرٍ زِحْيٍ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرِزْوَانَهُ وَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾

پیشروان اولیه از مهاجر و انصار و کسانی که به نیکوکاری از ایشان پیروی کرده‌اند [تابعین] خداوند از آنان خشنود است و آنان نیز از او خشنوند و برای آنها بوستان‌هایی آماده کرده است که چونبهارهایی از زیر آنها جریان دارد، که همواره جاودانه در آن بسر می‌برند، این رستگاری بزرگ است.<sup>۱۸</sup>

و یا در سوره حشر فرمود:

﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ ديارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِزْقَانًا وَيَبْتَغُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾
\* وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَبِطَتْ مِنْ هَاجِرٍ إِيْتَهُمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوَفِّقِ شَيْخٌ نَفْسَهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾
\* وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ<sup>۱۹</sup>﴾

برای بنیویان از مهاجرین که از خانه و کاشانه‌هایشان و ملک و مال‌هایشان رانده شده‌اند، و در طلب بخشش و خشنودی خداوندند و [دین] خداوند و پیامبر او را یاری می‌دهند، اینان‌اند که راستگویند \* و کسانی که پیش از آنان در سرای اسلام [مدینه] جای گرفتند و ایمان را پذیرفتند، کسانی را که به سوی آنان هجرت کرده‌اند، دوست می‌دارند و نسبت به آنچه به ایشان داده شده است، در حد خود احساس نیاز نمی‌کنند، و [آنان را] ولو خود نیازمندی داشته باشند، بر خود برمی‌گزینند و کسانی از آزمندی نفس خویش در امان ماندند، آنانند که رستگاراند \* و کسانی که پس از آنان آمدند گویند پروردگار ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما سبقت دارند، پیامبر ما، و در راه‌های ما نسبت به مؤمنان کینه‌ای نگذار، پروردگارا، تو در حق رفوف مهربانی.

همچنان که ملاحظه می‌فرمایید خداوند متعال در مقام تعریف و تمجید از مهاجرین می‌فرماید آنها کسانی بودند که برای خدا و برای یاری او و پیامبرش از زادگاه و شهرهایشان مهاجرت کردند



ریش خواص در حکومت علوی

## مهم‌ترین عوامل مؤثر در پیدایش خواص

**\* آنچه که بیش از هر چیز بر موقعیت مهاجرین و انصار افزوده و به آنان نفوذ و پایگاهی جاوید و ماندگار بخشید اظهار رضایت و خشنودی قرآن کریم از آنان بود. مهاجرین و انصار که خیل کثیری از اصحاب پیامبر(ص) را تشکیل می‌دادند، پس از قوت یافتن اسلام و رحلت رسول خدا(ص) از خواص اصحاب به حساب آمدند و از همین رو بود که اکثر امور جامعه اسلامی در دست آنها قرار گرفت و در تصمیم‌گیری‌ها بیشترین نفوذ را داشتند**

و دست از اموالشان شستند تا ناصر خدا و پیامبرش باشند، انهایی هم که در شهرهایشان مانده بودند؛ یعنی انصار، به مهاجرین محبت ورزیدند، و در عین نیاز خویش هیچ از و طمع‌ی مهاجرین را بر خود ترجیح ندادند، و مهاجرین بعدی که وارد مدینه می‌شدند می‌گفتند خدایا بین ما و کسانی که پیش از ما ایمان آورده‌اند جدایی و کینه مینداز.

مردم در صف مهاجرین و انصار و سبقت‌گیرندگان در ایمان به اسلام شعر می‌گفتند و از آنها مدح و ستایش می‌کردند، مفهوم یکی از اشعارشان موقعیت ممتاز و خصوصیت آنان را بدین سان نشان می‌دهد.

«ای که از بهترین بندگان می‌رسی با شخص دانا و بینا برخورد کرده‌ای برترین بندگان همه از قریش بودند، و بهترین قریشیان مهاجرین بودند و بهترین مهاجرین، مهاجرین اولیه بودند، اسپس شاعر اینجا هشت تن از مسلمانان اولیه را یاد می‌کند و از آنها مدح می‌نماید؛ و هشتت نفر از یاران علی و عثمان و آن‌گاه، زبیر و طلحه و دو تن از بنی زهره و دو پیغمرد که در کنار احمد خفته‌اند و قبرشان کنار قبر اوست بودند.»<sup>۲۰</sup>

و یا یکی از اهالی مدینه در مدح انصار چنین می‌گوید:

«پایامبر(ص) ده و چند سال ما بین قریش به سرس برد و به آنها تذکر داد تا که شاید در میانشان دوستی همدل پیدا کند و چون پیش ما آمد خدا دین وی را قوت داد و از شهر مدینه خرسند و خشنود شد ما یا همه مردمی که از دشمن آنهاست، دشمنی می‌کنیم اگر چه دوست یک رنگ ما باشند.»<sup>۲۱</sup>

مهاجرین و انصار که خیل کثیری از اصحاب پیامبر(ص) را تشکیل می‌دادند، پس از قوت یافتن اسلام و رحلت رسول خدا(ص) از خواص اصحاب به حساب آمدند و از همین رو بود که اکثر امور جامعه اسلامی در دست آنها قرار گرفت و در تصمیم‌گیری‌ها بیشترین نفوذ را داشتند، علی(ع)، عمار، ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه و زبیر، سعد بن ابی وقاص، سعد بن عباده، سعد بن معاذ و برخی دیگر، از بزرگان مهاجر و انصار بودند، آنان تا سال‌ها پس از رحلت رسول خدا(ص) منظر نظر و محل عنایت مسلمانان و خلفای اسلامی بودند. عمر در وصیت خود گفت: «من آن کس را که خلیفه می‌شود وصیت می‌کنم جانب مهاجر و انصار را رعایت کند و فضیلت آنها را درک نموده و حق ایشان را بشناسد.»<sup>۲۲</sup>

قاضی: در ارتباط با آقای مه‌ران و جلساتی که داشتید و پیشنهاد بولی که داشتید، یک توضیحی بدهید!

منتهم: گفتم که آقای قاضی، کذب بوده است. خودم این را از روی ترس دروغ گفتم.

قاضی: «با فردی به نام مه‌ران ارتباط داشتم، ایشان بسه عنوان هادی، مأموریت‌های جمع‌آوری مردم در فلکه اول تهرانپارس، ایجاد تجمع، ایجاد تشویق و تحریک مردم و سر دادن شعارهای مختلف را به من واگذار کرد و در قبال آن قسار بود مبلغ ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان پول دریافت نمایم، امبره‌ای در چند روز قبل از انتخابات در ایجاد جمع‌ات و اختلال در نظم مطابق آن مسئولیت آن را به بنده واگذار کرده بود.»

منتهم: بله آقای قاضی، اینها را من در بازجویی‌های اولم گفتم که ساخته و پرداخته ذهن خودم بود که گفتم. گفتم شاید بتوانم یک جوری خودم را تترئه کنم ولی دیدم هیچ چیز بهتر از راستگویی نیست.

قاضی: در ادامه اعتراضات گفتی از جمله مأموریت‌هایی که از سوی افراد فوق

صفحه ۶
دوشنبه اول تیر ۱۳۹۴
۵ رمضان ۱۴۳۶ – شماره ۲۱۰۸۹

اینها همه نشان می‌دهد که مهاجرین و انصار از خواص جامعه اسلامی به حساب می‌آمدند، و موقعیت اجتماعی ممتازی داشتند.

۳. شرکت در جنگ‌های نخست صدر اسلام

یکی دیگر از عواملی که در تشکیل‌گیری خواص نقش آفرید مسأله شرکت در جنگ بدر و احد بود، این دو جنگ از نبردهای سرنوشت‌ساز و حماسی تاریخ اسلام بود، هر دو در شرایطی تحقق یافت که کفار در اوج قدرت و مسلمانان در نهایت ضعف قوای ظاهری بسر می‌بردند، تعداد سپاه اسلام در بدر حدود ۳۰۰ نفر و تعداد سپاه دشمن تقریباً ۹۵۰ نفر بود، مسلمانان تنها دو اسب داشتند، در احد سپاه دشمن تقریباً ۳۰۰۰ نفر و سپاه اسلام حدود ۷۰۰ نفر بودند؛ یعنی در هر دو جنگ تعداد سپاه دشمن بیش از سه برابر سپاه اسلام بود، هر دو در شرایطی اتفاق افتاد که هنوز منافقین در مدینه حضور فعال داشتند<sup>۲۳</sup> و احتمال داشت با همدستی با کفار پیامبر(ص) علیه‌کنند بنابراین مسلمانان هم از حیث قدرت ظاهری و هم از جهت اوضاع داخلی در نهایت ضعف بسر می‌بردند و احتمال شکست‌شان بسیار زیاد بود و هیچ بعید نبود که همگی به شهادت برسند و بساط اسلام برای همیشه برچیده شود. چیزی جز ایمان به غیب و امدادهای الهی به انسان دلگرمی نمی‌بخشید، ولی مسلمانان با توکل به خدا و ایمان به کمک او مقاومت کردند و نگذاشتند رسول خدا(ص) تنها بماند و اسلام شکست بخورد، از این رو در حافظه تاریخی مسلمانان رزمندگان بدر و احد به خاطر این ایثار و پایمردی و شجاعتشان بر سایر اصحاب ترجیح داده شدند، و از امتیازات خاص و ویژه بر‌خوردار گردیدند، مثلاً در دیوان حقوق عمر بدویان از امتیاز مالی ویژه‌ای برخوردار گردیدند. برای شرکت‌کنندگان جنگ بدر از مهاجران ۵۰۰۰ درهم و برای انصار بدری ۴۰۰۰ درهم، درنظر گرفته شد.<sup>۲۴</sup>

۴. نزدیکی با پیامبر(صلی الله علیه و آله)

یکی دیگر از زمینه‌ها به وجود آمدن خواص و شخصیت‌های برجسته و با نفوذ در صدر اسلام ارتباط و نزدیکی افراد با رسول خدا(ص) بود؛ یعنی کسانی که به نوعی با آن بزرگوار پیوند داشتند بعدها این پیوند برایشان به عنوان یک خصوصیت و امتیاز مطرح شد و در میان مردم صاحب نفوذ شدند. در حجه اول زنان و خویشاوندان پیامبر(ص) دارای جایگاه و پایگاه خاصی شدند، یکی از خصوصیات ممتاز افرادی چون حضرت علی(ع) و فاطمه(س) و امام حسن و حسین(علیهما السلام) و عباس عموی پیامبر(ص)، ابن‌عباس، عبدالله بن جعفر، عایشه، ام‌سلمه، حفصه… و خاندان بنی‌هاشم همین خویشاوندی پیونده فامیلی آنها با رسول خدا(ص) بود، حتی یکی از عوامل زمینه‌ساز خلافت ابوبکر و عمر و عثمان این بود که ابوبکر و عمر پدرزن پیامبر(ص) و عثمان داماد رسول خدا(ص) بود، به عثمان بسه خاطر اینکه ابتدا با ام کلثوم و بعد از مرگش با زینب دختر دیگر پیامبر(ص) ازدواج کرده بود<sup>۲۵</sup>(ذوالنورین) لقب داده بودند؛ یعنی کسی که صاحب دو نور است.

افرادى چون عايشه جزء شخصیت‌ها و خواص پُر نفوذ جامعه شدند به طوری که در انتخاب خلیفه دخالت می‌کردند. منابع در دفتر روزنامه موجود است
اینها زمانی که بودم هیچ کس نبود. حتی من داشتم با پلیس‌های گارد صحت می‌کردم که تلفنم زنگ خورد، رفتم آن طرف‌تر صحبت کردم وقتی نشستم من را دستگیر کردند و هیچ افغانشایی نبود، تحقیق هم کرده بودند، به همین نتیجه رسیده بودند. تحقیقات محلی … که از من شده بود هیچ چیز را علیه من ثابت نکرده و اتهامات را هم هیچ کدام قبول ندارم چون واقعا انجام ندادم و همین قاضی شما براساس گزارش مأمورین دستگیر کننده در محنه‌افغانش دستگیر شدید و س‌دی دستگیری شما مورد است.
منتهم: آن س‌دی رئیس دادگاه، می‌توانم توضیح بدهم آن س‌دی چیست. آن س‌دی یاری روز سه‌شنبه بود ساعت ۱۷:۳۰ الی ۸، که مردم آمده بودند وسط خیابان نمی‌گذاشتند ماشین‌ها بروند و چون ما در ستاد بودیم نمی‌گذاشتیم. به هر صورت افغانشایی بشنود راه بیان نباید من همان بودم که ایستاده بودم از من داشت فیلمبرداری می‌شد با دست علامت می‌دادم که بروید عقب، وسط خیابان نایستید! همین یک قسمت را از من فیلمبرداری کردند که مردم سوت می‌زدند و…

رئیس: س‌دی نشانگر تحریک مردم از طرف شماست.

منتهم: نه.

رئیس: چرا صادقانه برخورد نمی‌کنید؟!

منتهم: صادقانه می‌گویم، آقای رئیس دادگاه من هیچ تحریکی نکردم مردم را. من فقط چون در ستاد بودیم می‌خواستیم جلوگیری کنیم از این که خیابان بند بیاید و افغانشایی بشود. من هیچ افغانشایی را به با نکردم و هیچ کس یا جمعی غیر قانونی را هم به راه نینداختم.
قاضی: آقای وکیل مدافع ایشان در جایگاه قرار بگیرند!

**دفاعیات وکیل مدافع منتهم**

وکیل: با تشکر از ریاست محترم دادگاه، در خصوص کیفرخواست صادره توسط دادستان محترم تهران علیه موکل اینجانب چند نکته از خدمت ریاست محترم و حضار عزیز عرض می‌کنم. اولاً که با توجه به ضیق وقت فرصت دقیق مطالعه کیفرخواست را نداشتیم و تنها به آن چند اخطای که خدمت موکل در زندان اوین بودم و مطالعه خیلی سطحی امروز صبح مطالبی را عرض می‌کنم، استدعای بذل توجه دارم.

با توجه به وضعیت خانوادگی موکل و سن کم او و بی‌تجربگی او و محتویات پرونده، همان طور که مستحضرد موکل در هیچ جای پرونده، افرادی مبنی بر قبول اتهامات ندارد. تنها ایرادی که به موکل وارد است، تنها اتهامی که به موکل وارد است همان س‌دی‌ای که شما به آن اشاره می‌کنید که آن هم قابل بحث است و موکل به خوبی فیلم و تهیه س‌دی را خدمت شما عرض کرد. زمان دستگیری موکل زمانی که موکل در آرامش کامل روی صندلی کنار یک میدان نشسته و هیچ دلیل و مدرکی که از طرف نماینده محترم دادستان ارائه شده باشد ما در پرونده نمی‌بینیم!
ا‌که نشان بدهد!ا موکل را هنگام افغانش، درگیری و تخریب اموال دولتی.

من مقام محترم خواستارم که یک لطفی کنند و چند روزی را فرصت به بنده بدهند. جهت دفاعیات تکمیلی، چون فرصت نداشتیم. متأسفانه همان طور که می‌دانید زمانی که جمعی صورت می‌گیرد افراد- به خصوص با توجه به سن موکل- از کسب کنجکاوی شدید هم بی‌خبرند و جمع شوند و صرف‌نظر از این که این اجتماعات قانونی هست یا نیست، باید بحث است. موکل فقط به خاطر حس کنجکاوی که داشته است که بعضاً در این جمع‌ات شرکت داشته و آن چیزی که به اصطلاح در این پرونده موجود است و فکر کنیم متأسفانه بازجو‌ها روی این زیاد تأکید کرده‌اند که ایشان چند روز قبل از انتخابات در ستاد آقای موسوی شرکت داشته و به خاطر توجه است همان طور که خودشان در پرونده اظهار کرده بودند که حاضر به خاطر بحث مادی فرموده بودند که بله، من دو روز تبلیغ می‌کردم و مبلغ ۱۰۰ هزار تومان هم دریافت کردم. فکر کنم ایراد اساسی و آن چیزی که بیشتر بازجو‌ها را تحریک می‌کرده است و یا به اصطلاح دوست داشتند اتهامی را منتسب به موکل کنند، بیشتر این بحث است.

علی هذا این چیزی که من احساس می‌کنم که جامعه ما شدیداً به آن نیاز دارد من تقاضای عفو و بخشودگی و تقاضای اعمال تخفیف مجازات و تقدیم لایحه تکمیلی آرا دارم، خیلی متشکر.

وکیل: نه قربان، اگر اجازه بدهید طرف یک هفته تقدیم می‌کنیم، خیلی متشکر.

قاضی: جهت رعایت حق منتهم به مدت یک هفته به شما مهلت داده می‌شود که تدارک آخرین دفاع را ببینند.



**برگی دیگر از اتهامات اصحاب فتنه ۸۸:**

# اخلال در نظم عمومی از طریق بلوا و آشوب و ایجاد ترس و وحشت در جامعه



به وی و سایر معترضین وارد شد این بود که ایجاد درگیری، افغانش، تخریب اموال عمومی، مشتج کردن جو در میدان‌های ولی عصر، فاطمی، دانشگاه شریف، خیابان آزادی، دانشگاه امیرکبیر و گذار شد تا حدود ۵۰۰ هزار تومان پیشنهاد پول به شما داده شد.

منتهم: این را من الان هم دارم می‌گویم، قبول ندارم چون که این چنین چیزی به من پیشنهاد نشد. ما در ستاد آقای موسوی که بودیم گفتند که قطعاً اگر است در این انتخابات تقلب کنند. گفتم که چه طوری قرار است تقلب شود؟ گفتند یا راه‌ها را جابه‌جا می‌کنند یا کم و کسری از آن درمی‌آورند. گفتم که حالا از ما چه می‌خواهید؟ من آنچه بودم براساس نیاز مالی و یا هر چیزی که اسمش را می‌شود گذاشت گفتم که می‌خواهید چه کار کنید؟ چه می‌خواهید به ما بدهید؟ گفتند که: اجباری نیست هر کسی یک کاری بکند اگر می‌تواند برود مردم را جمع کند، شعار بدهد، می‌تواند تخریب کند، می‌تواند هر کسی یک کاری بکند و هر کسی با یک چیزی، هر کس با یک کار… منتهما در این خصوص که این اتهامات را به من زدن هیچ کاری انجام ندادم و اصلاً موقعی که من دستگیر شدم هیچ افغانشایی نبوده است. بیست و چهارم خرداد من از محدوده تهرانپارس بیرون رفتم تا بیست و چهارم خرداد و هیچ افغانشاش و هیچ جمعی دو روز بیست و سوم و بیست و چهارم در تهرانپارس نبوده است. همین طبق اظهاراتی که گفتم روز سه‌شنبه و چهارشنبه فقط بوستر و عکس و پخش کردن پارچه بین مردم بود و استیمنه و چهارشنبه هم ندانم آقای کارشناسم گفت که برایت نوشته‌اند که تو در حال سنگ‌پرانی و تشویش آذهان عمومی و… بودی. گفتم: نه،

در خصوص آن که گفتید مه‌ران دست طلا‌من در پرونده‌ام طی دومین بازجویی گفتم، این مه‌ران دست طلا گفتم که کذب است نوشت‌ام حتی. گفتم حتی از روی ترس بود. یک آقای بود، معرفت، مسافر من بود به ما گفت بیا این کار را بکن، آن کار را بکن، قضیه اصلاً چیز دیگری بود. من یک جوری از ذهن خودم ساختم و این را گفتم. اصلاً مه‌ران دست‌طلا من نیستم، هیچ سابقه کیفری ندارم. هیچ شهرتی هم ندارم. اسم و فامیل خودم است، این اتهاماتی که به من زدن می‌شود گفتم. من یک اشتباهی کردم که در ستاد آقای موسوی، یکشنبه من قول ندارم که تو در حال سنگ‌پرانی و تشویش آذهان عمومی و… بودی. گفتم: نه،

ایران از طریق شرکت در جمع‌ات غیر قانونی و ایراد شعارهایی علیه مسئولین نظام و نظام جمهوری اسلامی ایران، ایجاد شبهه جعل و تقلب در نتیجه انتخابات و سلب اعتماد عمومی نسبت به حاکمیت و مراجع رسمی کشور. ۳- اخلال در نظم عمومی از طریق بلوا و آشوب و حرکت‌های غیر متعارف و ایجاد ترس و وحشت در جامعه. ۴- مشارکت در تخریب و احراق اموال دولتی، عمومی و خصوصی. ۵- ج: زمان و مکان دستگیری منتهم: زمان ۲۴خرداد ۸۸مکان: فلکه اول تهرانپارس تهران.

د: دلایل و مستندات اتهام: ۱- گزارش مأمورین و ضابطین انتظامی و امنیتی، ۲- شناسایی و دستگیری منتهم به عنوان یکی از عوامل اصلی افغانش در ضمن ارتکاب جرم توسط مأمورین. ۳- اقرار صریح منتهم به اخذ دستسور جهت ایجاد ترس و آشوب در تهران به طور مدایت شده از سوی احدی از کاندیداهای ریاست جمهوری. ۴- اقرار صریح منتهم به ایجاد هماهنگی در ایجاد جمع‌ات غیر قانونی و انتقال شعارها به آنان و جمع نمودن مردم در فلکه اول تهرانپارس. ۵- اقرار منتهم به اخذ دستسور از فردی به نام مه‌ران، جهت بر هم زدن نظم عمومی و هر کاری که ایجاد جو کند. ۶- سایر فراین و امارات مضبوط در پرونده.

ه: دلایل قانونی درخواست مجازات و کیفر: اتهام نامبرده با توجه به مجموع محتویات پرونده و دلایل و مستندات موجود منطبق است با مواد ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱ و ۶۹۲ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰ و با رعایت مواد ۴۴ و ۴۲ قانون صدرالذکر، بناه علی هدا با توجه به مطالب صدرالذکر و مجموع محتویات به لحاظ اهمیت موضوع و میزان خسارت وارده به کشور و اعتماد عمومی جامعه و همسویی با رسانه‌های معاند و گروه‌های مخالف نظام و اخلال شدید در نظم و امنیت جامعه‌محاکمه و اشد مجازات را برای منتهم مذکور درخواست دارم. رئیس: آقای اعظامی، ابتدا خودتان را معرفی کنید!

**دفاعیات منتهم**

منتهم: به نام خدا، حسین اعظامی هستم، فرزند مهدی متولد سال ۱۳۶۷، ۱۴م مرداد

رئیس: براساس کیفرخواست صادره از سوی دادسرا اتهام شما دایر بر آمتن کیفرخواست فرانت‌ا، دفاعیات خود را بیان کنید!

بسم‌الله الرحمن الرحیم

همین طور که شما فرمودید این اتهام‌ها را برای من نوشتند و یا می‌شود گفت گفتند. این احراق و تخریب اموال عمومی و… که من در بازجویی‌هایم هم اعلام کرده‌ام، اصلاً نبوده است. تبلیغات علیه نظام گفتید فعالیت تبلیغی من فقط برای قبل از انتخابات است، سه‌شنبه و چهارشنبه هفته قبل از انتخابات، قبل از این که رسانه‌ها اعلام کنند که تبلیغات ممنوع باشد، یعنی تبلیغ که ممنوع شده، حتی پارچه عزمی که به دستم بیست بودم، آن را باز کردم، من هیچ تبلیغ علیه نظام نکردم، تخریب و تشویش آذهان عمومی و… که گفتید، ترساندن مردم و…